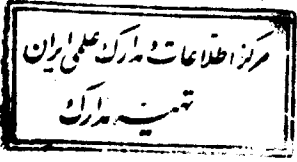


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٣٥٠٨٧



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۱۳۸۰ / ۴ / ۳۰

پایان نامه:

دوره کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی

موضوع:

بررسی علل خانوادگی، اجتماعی
فرار دختران (۲۰-۱۴ سال) از منزل

استاد راهنما:

دکتر مصطفی اقلیما

استاد مشاور:

آقای حاج بابایی

012220

پژوهشگر:

فاطمه زواره‌یی

خرداد ۱۳۸۰

۳۵۰۵۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس بیکیان یگانه ایزد هستی بخش را که توفیق هر کار و خدمت به لطف و عنایت اوست.

تشکر از همسرم که در تمامی مراحل پژوهش از همفکری او برخوردار بودم و با صبر و اندیشه و قلم خود راه را بر من هموار کرد.

تشکر از مسوولان محترم نیروی انتظامی، خانه ریحانه و مراکز وابسته به سازمان بهزیستی که امکان تکمیل پرسشنامه‌ها را فراهم ساختند.

همچنین از سرکار خانم افسانه مهدوی که در انجام پژوهش از همکاری صمیمانه ایشان بهره‌مند شدم تشکر می‌کنم.

تقدیم به خواهرم 'فرشته'
که انسانی باگذشت و مهربان،
نمونه ایثار
و شیفته خدمت به مردم بود.

تقدیم به همسر و فرزندانم
که فرصت‌های لازم را فراهم آوردند.

چکیده

این پژوهش تحت عنوان بررسی علل خانوادگی، اجتماعی فرار دختران ۲۰-۱۴ سال از منزل انجام شده است.

جامعه آماری پژوهش، دخترانی است که به علت فرار از خانه و از تیرماه تا شهریورماه سال ۱۳۷۹ در اقامتگاه موقت وابسته به نیروی انتظامی، خانهٔ ریحانه و مراکز (امیدوار، ارشاد، آصف) وابسته به سازمان بهزیستی در شهر تهران نگهداری می‌شدند. تعداد یکصد نفر از این دختران فراری که مرتکب بزه نشده بودند به روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس به عنوان نمونهٔ تحقیق انتخاب گردیدند. روش پژوهش به صورت میدانی و از نوع توصیفی معطوف به گذشته است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه استفاده شده است. داده‌ها به صورت فراوانی بوده که پس از استخراج با روش آماری (χ^2) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. با توجه به اهداف و سؤالهای پژوهش ۱۲ فرضیه بر مبنای متغیرهایی چون: ویژگیهای دموگرافیک، تعداد افراد خانواده، میزان تحصیلات، موفقیت تحصیلی، ازهم‌گسیختگی خانواده، رضایتمندی از خانواده، احساس تعلق و وابستگی عاطفی با اعضای خانواده، نحوهٔ نظارت والدین، چگونگی گذراندن اوقات فراغت و رضایتمندی از موقعیت خود در اجتماع و سطح تحصیلات والدین طرح گردید که به جز رابطهٔ بین سطح تحصیلات والدین و فرار دختران فراری، سایر فرضیه‌ها پذیرفته شد.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	فصل اول: طرح تحقیق
۱	مقدمه
۳	تعریف مسئله
۵	اهداف پژوهش
۷	مدل پژوهش
۷	سوالات فرضیه های پژوهش
۸	قلمرو پژوهش
۹	محدودیت های تحقیق
۹	تعریف مفاهیم و اصطلاحات پژوهش
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق
	بخش اول
۱۳	تعریف فرار
۱۵	انواع فرار
۱۵	سن فرار
۱۵	چه کسانی از خانه فرار می کنند
۱۷	شرایط عمومی افراد فراری
	بخش دوم
۱۹	بلوغ و نوجوانی
۲۱	شکل گیری هویت در دوره نوجوانی
۲۴	حالات و نیازهای خاص دوران نوجوانی و جوانی
۲۵	ویژگیهای دوران نوجوانی در دختران
	بخش سوم
۳۰	خانواده و اهمیت آن
۳۴	عوامل آسیب زا در سیستم خانواده

	بخش چهارم
۴۱	مسایل اجتماعی
۴۲	شخصیت و زمینه اجتماعی آن
۴۴	جامعه پذیری
۴۴	هویت اجتماعی
۴۶	نظارت اجتماعی
۴۸	دین و فرهنگ
۵۰	پیشینه تحقیق در ایران
۵۲	پیشینه تحقیق در جوامع غربی

فصل سوم: روش اجرای پژوهش

۶۳	روش تحقیق
۶۴	جامعه آماری
۶۵	نمونه آماری و روش نمونه گیری
۶۷	ابزار تحقیق
۶۷	شیوه اجرای پرسشنامه
۶۷	روایی و اعتبار
۶۹	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷۲	تجزیه و تحلیل داده‌ها
----	-----------------------

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

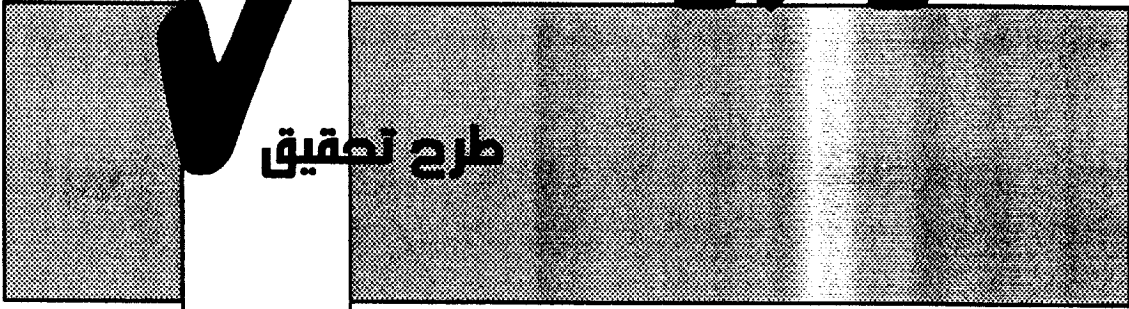
۱۴۱	خلاصه پژوهش
۱۴۳	یافته‌های پژوهش
۱۴۵	بحث و نتیجه گیری
۱۵۶	پیشنهاد به مسئولین
۱۵۸	پیشنهاد به پژوهشگران
۱۵۹	عناوین تحقیقات پیشنهادی
	پیوست‌ها
	الف) پرسشنامه

ب) تعریف شرایط کاربرد آزمون آماری مورد استفاده در پژوهش

منابع

فصل اول

طرح تحقیق



۱-۱ مقدمه

«فرار نوجوانان و جوانان از خانه» امروزه در جهان به عنوان یک مسئله و مشکل اجتماعی، توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. اهمیت این مسئله از آنجا بیشتر آشکار می‌شود که جامعه‌شناسان بقاء جامعه را در گروی بقای خانواده و موفقیت و شکست جامعه را در سلامت و یا گسستگی نهاد خانواده یافته‌اند؛ «خانواده» به عنوان سازمان اجتماعی کوچکی که برخوردار از روابط تعاملی والدین - فرزندان است و روابط فرزندان، والدین و سایر اعضای خانواده، چون شبکه و نظامی درهم پیچیده است که افراد آن در گنش متقابل با یکدیگرند و این نظام در مجموعه‌ای از نظام‌های اجتماعی بزرگتر قرار گرفته است. جامعه بزرگتر، خود جزیی از زمینه فرهنگی برای الگوهای رفتاری خانواده است و در تثبیت یا تزلزل آن تأثیر دارد. رشد فرزندان در نهاد خانواده متأثر از هنجارها و شرایط اجتماعی است.

فرزند از والدین خود خصوصیات اخلاقی، عقیدتی، شخصیتی و دیگر گرایش‌ها و نگرش‌ها را می‌آموزد و در واقع از آنان الگو و سرمشق می‌گیرد و تقلید می‌کند و این الگوپذیری با ارزش‌های مورد قبول جامعه تقویت یا تضعیف می‌شود. تشویق به پذیرش و رعایت الزامات رفتارهای آموخته شده از جمله کارکردهای نظام اجتماعی است که کانون خانواده، اساسی‌ترین سهم را در آن دارد. اگر نظام

اجتماعی بین جریان اجتماعی کردن و حفظ الگو در انتقال صحیح و کامل ارزش‌ها و هنجارها به اعضا موفق نشود، یعنی نظام ارزشی جامعه مورد قبول اعضاء قرار نگیرد، بین نظام ارزشی با بقیه عناصر ساخت اجتماعی، ناهماهنگی ایجاد شده و جامعه دچار عدم تعادل می‌گردد. به بیان دیگر اگر «سلامت» جامعه را مترادف با «تعادل» اجتماعی بگیریم، بروز «مشکل اجتماعی» نشانه‌ای از عدم تعادل در ساختمان جامعه است. در میان عوامل اجتماعی، هیچ عاملی چون محیط خانواده در پایه‌ریزی شخصیت و چگونگی رشد عواطف در افراد، مؤثر نیست. فرزند اگر در محیط خانواده از آرامش و امنیت روانی و عاطفی برخوردار نباشد، به درستی پرورش نخواهد یافت. خانواده متزلزل نمی‌تواند فرزند سازگار و سالم به بار آورد و کودک ناسازگار معمولاً «جامعه‌ستیز» و «خودستیز» است. در مسیر رشد، دوره بلوغ و نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی است که از آن به عنوان «دوره بحرانی» یا «دوره بی‌سروسامانی روحی» تعبیر می‌شود. در این مرحله به‌خصوص، اگر والدین درک و شناخت درستی از شرایط روحی، عاطفی و جسمانی فرزندان نداشته باشند و برای گذر بی‌مخاطره یا کم‌مخاطره از این بحران‌ها او را مشفقانه و آگاهانه همراهی نکنند، امکان بروز کجروی و رفتارهای نابهنجار از سوی آنان افزایش خواهد یافت.

امروزه کمتر خانواده‌ای را به‌ویژه در جوامع شهری می‌توان یافت که ارتباط والدین و فرزندان از بحران شکاف بین نسلی مصون باشد. دختران و پسران نوجوان و جوان در باور داشتن و پیروی از آنچه که مادران و پدران به آنها می‌گویند و از آنان می‌خواهند، در مقابل آنچه که خود می‌اندیشند و رفتار مورد علاقه‌شان است، اغلب دچار تردید، تعارض و حتی تقابل هستند و والدین نیز از اینکه نسل جوان در نوع پوشش، انتخاب دوست، نحوه گذران اوقات فراغت و ... رفتاری مخالف نظر آنها دارد، گله‌مند و دل‌آزرده‌اند. این اختلاف نظر و تفاوت‌های رفتاری تا آنجا که اساس روابط خانوادگی را تهدید نمی‌کند، هم برای والدین و هم فرزندان به‌رغم سختی‌هایی که دارد، به حلاوت عاطفه و مهر فیما بین قابل هضم است و جامعه نیز از این بابت احساس مشکل و خطر نمی‌کند و چه بسا آن را واقعیتی در جریان رشد و تحولات اجتماعی می‌داند، اما هنگامی که این اختلاف منجر به درگیری و نزاع و طرد می‌شود، سلامت

خانواده و تعادل جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

«فرار» نوجوانان و جوانان از خانه یک زنگ خطر و هشدار است که علاقه‌مندان و دلسوزان جامعه را برای حفظ «کیان خانواده» و «سلامت و تعادل جامعه» به چاره‌اندیشی فرامی‌خواند. «مسأله فرار نوجوانان و جوانان از خانه» در اشکال مختلف در اغلب جوامع دیده می‌شود و برای جوامعی نظیر جامعه ما که ساختار فرهنگی و ارزشی آن بر حفظ و تحکیم بنیاد خانواده استوار است، بیشتر نامأنوس و نگران‌کننده است.

در هر حال هرچه که باشد این واقعیت را باید پذیرفت که جامعه ما در برخورد با این مشکل اجتماعی، با یک برنامه و طرح جامع و دقیق عمل نمی‌کند.

از اینرو به دلیل نبود اطلاعات و آمارهای علمی معلوم نیست که پدیده «فرار نوجوانان و جوانان از خانه» در کشور ما چه روندی را طی می‌کند؟ نسبت دختران فراری به پسران فراری چقدر است؟ چه تعداد از فراریان به خانه بازمی‌گردند؟ چه تعداد توسط نیروی انتظامی بازداشت می‌شوند؟ چه تعداد به راههای خلاف کشیده می‌شوند؟ چه تعداد از خطرهایی که در پیش دارند در امان می‌مانند؟ چه تعداد، خود از فرار پشیمان می‌شوند و به خانه بازمی‌گردند؟ و ...

هرچند بتوان گفت که برحسب نوع، دلیل، انگیزه و شرایط فرار هر یک از نوجوانان و جوانان فراری، ممکن است نوع و شدت خطر برای آنها متفاوت باشد ولی در این سخن که به طور کلی سرنوشتی که در انتظار دختران فراری است، بسیار نگران‌کننده‌تر است و دختران فراری بسیار بیشتر از پسران در معرض آسیب قرار دارند، کمتر جای بحث و تردید است؛ چرا که در جامعه ما، دختران با اقدام به فرار، گوهر وجودشان را که عفت و پاکدامنی است به خطر می‌اندازند و سلامت جامعه را دچار آسیب جدی می‌کنند.

۱-۲ طرح مسئله

«خانواده»، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است و کانون گرم خانواده در واقع محور آرامش اجتماعی

محسوب می‌شود. اگر خانواده به عللی دچار نابسامانی شود، آثار و عواقب آن در اجتماع منعکس می‌گردد. تحولات اجتماعی نیز متقابلاً نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آثار توسعه اجتماعی بخصوص در مرحله گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی در خانواده چشمگیر است.

امروزه در خانواده‌ها پدیده‌هایی رُخ می‌دهد که بعضی از آنها در حدّ یک «مسئله» و یا «مشکل اجتماعی» هستند. از جمله این موارد می‌توان به پدیده «فرار» اشاره کرد. فرار نوجوانان و جوانان از خانه به عنوان یک نابهنجاری رفتاری و یا محصول فرایند نابهنجاری رفتار فرد تحت تأثیر عوامل متعدد قابل بررسی است.

«فرار» از خانه می‌تواند واکنشی در برابر شرایط آشفته خانواده و اعتراض به بی‌عدالتی‌ها در درون خانواده و یا مدرسه باشد. یا رفتاری حاکی از ترس، یأس، خشم، انتقام‌جویی از بزرگترها و یا رفتاری به تقلید از رفتارهای فرهنگ‌های دیگر که به شکل‌های مختلف چه از طریق رسانه‌های جمعی و چه از طریق سفر و... جاذبه‌های خود را عرضه می‌کنند.

در جامعه ما «فرار دختران از منزل» با توجه به هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری حاکم بر فرهنگ و خانواده ایرانی، بازتاب نامطلوب و نگران‌کننده‌ای دارد.

دختران نسبت به پسران در اغلب جوامع هم در خانواده و هم در اجتماع بیشتر گرفتار تبعیض هستند. وجود موانع مختلف در راه پذیرش دختران در بخش‌های تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی - فرهنگی - سیاسی جوامع کوچک و بزرگ، جنس مؤنث را در منزلت اجتماعی پایین‌تر قرار داده است. سخت‌گیری‌های خانواده‌ها و برخوردهای غیرمنطقی در مقابل خواسته‌های دختران موجب احساس تبعیض و نارضایتی از دختر بودن می‌شود، همچنین کافی نبودن حمایت‌های قانونی و فراگیر نبودن امکانات باعث می‌شود دخترها که روحیه لطیف‌تر و شکننده‌تری دارند بیشتر آسیب ببینند. به این ترتیب در شرایط بحرانی، چه بسا بعضی از دختران از عواطف و پایبندی‌های خانواده، رویگردان شده و از خانه می‌گریزند. آنها مکان‌های ناشناخته و حتی ناامن را بر خانه ترجیح می‌دهند تا به گمان خود با فرار از خانه، به شرایط بهتری دست یابند.

«فرار دختران از منزل» گرچه در نگاه اول، پدیده‌ای فردی به نظر می‌رسد ولی پیامدهای آن، سلامت اخلاقی جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد و زیان‌های بسیار و گاه جبران‌ناپذیر فردی و اجتماعی به بار می‌آورد.

در علت‌یابی فرار دختران از منزل، به عوامل متعددی می‌رسیم که به صورت‌های مختلف و در ارتباط علت و معلولی و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش دارند. شناخت ریشه‌ای علل این کجروی و رفتار انحرافی، نخستین شرط برای چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است؛ که «ساختن» بدون «شناختن»، تیر در تاریکی رها کردن است.

بررسی مسأله فرار دختران از منزل و اقدام در جهت کنترل، کاهش و رفع عوامل آن می‌تواند جامعه را در راه رسیدن به تعادل و سلامت و هدایت نسل جوان به برقراری روابط اجتماعی مناسب و بهنجار موفق کند. توجه و سرمایه‌گذاری در این زمینه چنانچه با شناخت اصولی و واقع‌نگری صورت گیرد از اتلاف نیرو و هزینه‌های فراوان که صرف حرکت‌های مقطعی و پراکنده و کارهای موازی می‌شود، جلوگیری می‌کند.

پژوهش‌های علمی - کاربردی، برای شناسایی عوامل بروز این پدیده نابهنجار، راه‌های واقعی پیشگیری و آماده‌سازی را در جهت رفع این معضل پیش پای تصمیم‌گیرندگان و مسئولان اجرایی کشور می‌گذارد.

۱-۳ اهداف پژوهش

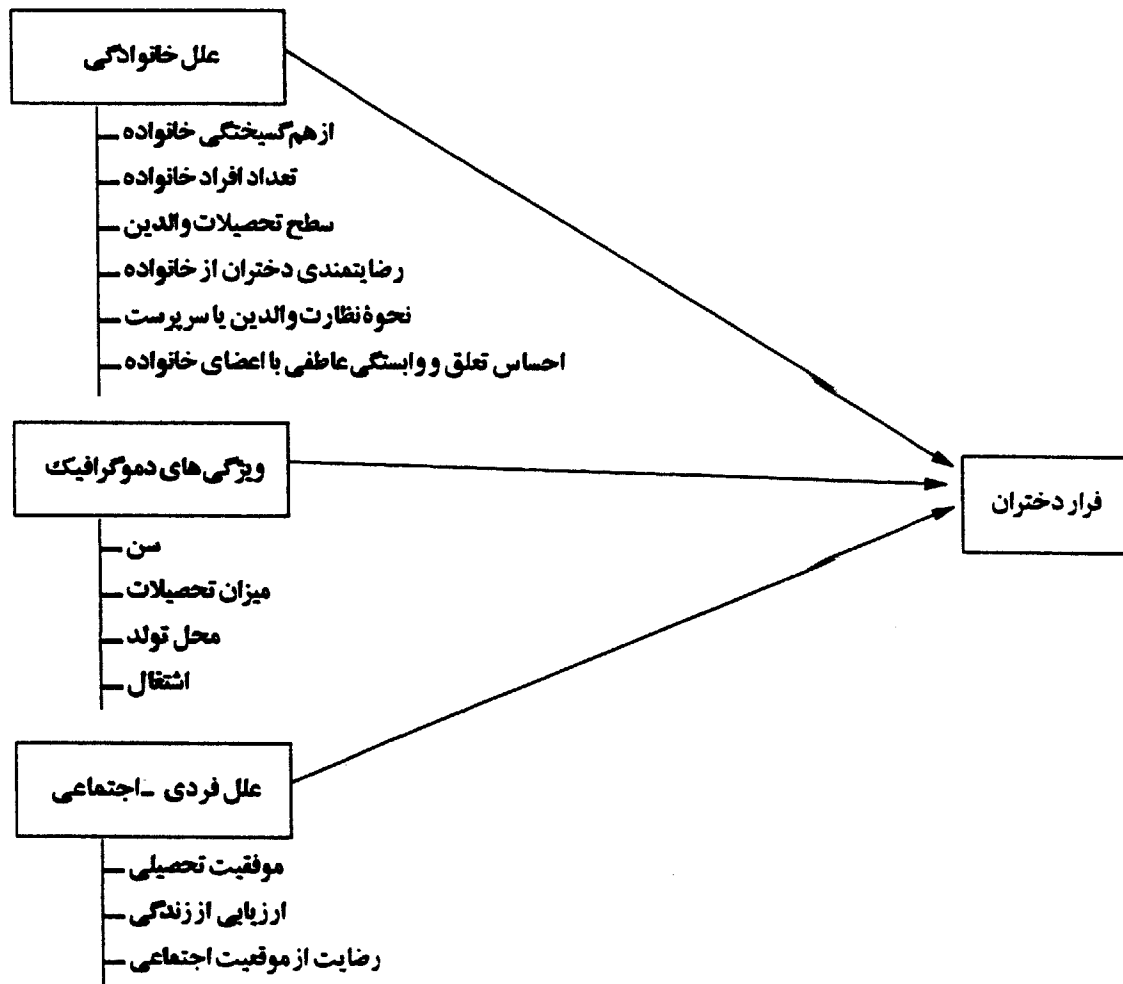
هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی علل خانوادگی - اجتماعی فرار دختران ۲۰-۱۴ سال می‌باشد. تا از طریق دستیابی به اطلاعات به دست آمده و تجزیه و تحلیل آنها بتوان در جهت شناخت و چگونگی پیشگیری و درمان این رفتار نابهنجار اجتماعی توصیه‌های علمی مؤثر ارائه کرد. دستیابی به هدف اصلی پژوهش از طریق اهداف فرعی ذیل تعقیب خواهد گردید:

- شناسایی پدیده فرار و وضعیت آن در دختران نوجوان و جوان فراری دستگیر شده در شهر تهران.

- شناسایی علل مؤثر بر بروز این پدیده.
- بررسی روش‌های کاهش این معضل.
- بررسی رابطه بین تعداد دفعات فرار با رضایتمندی از طرز برخورد والدین و یا سرپرست، نوع عکس‌العمل والدین و تمایل دختران به بازگشت به خانواده و همچنین نحوه ارزیابی این گروه از دختران از زندگی خود.

۴-۱ مدل پژوهش

مدل زیر در برگیرنده مفاهیم ، ابعاد ، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش می‌باشد. ارتباط بین ابعاد و مفاهیم که در فرضیه‌ها مشخص شده‌اند، مدل تحلیلی پژوهش را کامل می‌کند. همچنین همبستگی و ارتباط بین مفاهیم و ابعاد مشخص شده، بخوبی روشن گردیده است.



۵-۱ فرضیه‌های پژوهشی

پژوهش حاضر درصدد یافتن پاسخ مناسب به این پرسشهاست که ۱- فرار از منزل چیست و چه عواملی در بروز پدیده فرار مؤثر هستند؟ ۲- عوامل خانوادگی - اجتماعی مؤثر در بروز پدیده فرار کدامند؟ و آیا بین این عوامل و فرار دختران رابطه وجود دارد؟